

حفاظت از تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی در مناطق ورای صلاحیت ملی به منزله میراث مشترک بشریت

زکيه تقی‌زاده^۱ - مهدي حدادی^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

چکیده

توسعه پایدار اقیانوس‌ها و ضابطه‌مند نمودن دریاها با اعمال حاکمیت قانون بر آنها، یکی از پدیده‌های نوین در عرصه حقوق بین‌الملل دریاها به شمار می‌رود. با تشدید چالش‌ها و تهدیدات وارد بر محیط زیست دریایی و کاهش روزافزون منابع ژنتیکی در اثر گسترش فعالیت‌های انسانی، نگرانی‌های جامعه بین‌المللی در خصوص وقوع بحران زیست‌محیطی برای نسل‌های آینده و تهدید مبانی انصاف بین‌نسلی و میراث مشترک بشریت رو به فزونی نهاده است. از این‌رو حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی در مناطق ورای صلاحیت ملی طی سال‌های اخیر مرکز توجهات مجمع عمومی ملل متحد را به خود اختصاص داده و قرار است رژیم حقوقی حاکم بر تنوع زیستی با تدوین یک سند حقوقی الزام‌آور در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها به اجماع کشورها ضابطه‌مند گردد. پژوهش پیش‌رو ضمن تشریح نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر تنوع زیستی دریایی به بررسی آثار حقوقی و نتایج حاصل از اعمال دکترین میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیکی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها می‌پردازد.

واژگان کلیدی: تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی، توسعه پایدار، انصاف بین‌نسلی، میراث مشترک بشریت، مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها.

۱. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران z.taghizadeh.p@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mhaddady@ut.ac.ir

مقدمه

آثار ناشی از تغییرات اقلیم، فرسایش اقیانوس‌ها، تجزیه دی‌اکسید کربن، تجمع انباشت‌های دریایی و نیز پیشرفت دانش و فناوری بشر که به طور روزافزون در قالب صنایع کشتیرانی، ماهیگیری، تعبیه کابل‌های دریایی و تحقیقات علمی دریایی نمود پیدا می‌کند، بی‌شک یکی از مهمترین عوامل بالقوه برای تهدید محیط زیست اقیانوس‌ها و دریاها به شمار می‌رود. در مقابل این تحولات انسانی که با افزایش تجارت دریایی و حمل و نقل انسان‌ها و انتقال مواد سمی و نفتی سرعت می‌گیرد، اکوسیستم حساس، آسیب‌پذیر و غیرقابل تجدید دریاها یارای مقابله ندارد و نتیجه این جدال چیزی جز آسیب روزافزون به محیط زیست دریایی نخواهد بود. طی سالیان متمادی، با وجود آن‌که معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای و نیز مقررات حقوق نرم یا قوام نیافته برای ضابطه‌مند نمودن اقدامات زیان‌بار انسانی و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی ناشی از آن تدوین شده‌اند، کماکان فقدان مقررات و ضوابط قانونی دقیق و همه‌جانبه در اسناد حقوقی بین‌المللی، فقدان رویه دولت‌ها و معضلات ناشی از اجرای قوانین و مقررات موجود بسیار محسوس است. در این راستا تحلیل جامع تمام راهکارها و چارچوب‌های حقوقی مطرح پیش‌روی جامعه بین‌المللی جهت تدوین مقررات الزام‌آور برای صیانت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها ضرورت دارد.

جامعه بین‌المللی برای نیل به این مقصود، تلاش‌های زیادی را در چارچوب نهادهای ذریبط ملل متحد به انجام رسانده که ماحصل آن اجماع دولت‌ها برای تدوین یک سند الزام‌آور بین‌المللی ذیل کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌هاست. این اجماع که به دشواری حاصل شده است، نتیجه فرایندی بود که مجمع عمومی از سال ۲۰۰۴ و با تأسیس گروه‌های کاری برای مطالعه مسائل مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی دریایی در مناطق ماورای صلاحیت ملی آغاز کرده بود. یکی از مهمترین اصولی که در گروه‌های کاری مجمع عمومی مورد توجه و بررسی قرار گرفت، اصل میراث مشترک بشریت و قابلیت اعمال آن در خصوص منابع ژنتیک دریایی و تنوع زیستی دریایی بوده است، موضوعی که

موجب طرح مباحث گوناگون در رابطه با حقوق به مثابه آنچه هست (حقوق موجود)^۱ و یا حقوق مطلوب (آرمانی)^۲ می‌گردد. در راستای پرهیز از اختلافات میان کشورها و تسهیل دستیابی به اجماع بین‌المللی، یک رویکرد عملگرایانه در مذاکرات گروه کاری مطرح گردید که بر «تسهیم منافع حاصله» به جای ارجاع مستقیم به اصل میراث مشترک بشریت تأکید می‌نماید. با این وجود، اگرچه ایده تسهیم منافع ممکن است اقبال بیشتری برای درج در حاصل مذاکرات تدوین موافقتنامه اجرایی داشته باشد، اما حذف مفهوم میراث مشترک بشریت که یکی از شگفت‌انگیزترین پیشرفت‌های فکری بشری در زمینه حقوق بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود می‌تواند موافقتنامه آتی را از نتایج مهمی که از این اصل ناشی می‌شود محروم نماید.

برای تبیین عناصر نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در ادبیات حقوقی بین‌المللی، ابتدا بایستی عناصر مهم و مسائل کلیدی مطرح در این نظام حقوقی را تبیین نمود. در این مفهوم، تنوع زیستی عبارت است از تنوع حیات در سطوح ژنتیکی، گونه‌های جانوری و گیاهی و اکوسیستم‌هایی که نقش اساسی در حیات کره زمین ایفا می‌نمایند. مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل دریاها شامل تمام مناطقی است که در صلاحیت ملی یک دولت قرار نمی‌گیرند یا مناطقی که هیچ دولتی حقوق حاکمه خود را بر آن اعمال نمی‌کند. بنابراین مناطق ورای صلاحیت ملی به دریاهای آزاد و منطقه اعماق^۳ منحصر می‌شود. در حقوق بین‌الملل دریاها، اصل عرفی آزادی دریاهای آزاد به دولت‌ها آزادی عمل بسیاری می‌دهد مشروط بر اینکه شروط محدودی را رعایت نمایند، در حالی که اصل میراث مشترک بشریت در واقع اصل آزادی را در راستای منفعت بزرگتری که همانا منافع جامعه بشری است محدود می‌نماید.

این نوشتار سعی دارد قابلیت اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر تنوع زیستی دریایی واقع در مناطق ورای صلاحیت دولت‌ها و آثار حقوقی ناشی از آن را با تأکید بر نظام حقوقی بین‌المللی ناظر بر بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیکی مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور، سوال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه آیا تنوع زیستی بیولوژیکی دریایی در مناطق ورای

1. Lex Lata.
2. Lex Ferenda.
3. The Area.

صلاحیت ملی^۱ که یکی از مفاهیم نوین در حیطه حقوق بین الملل دریاهاست مانند منابع اعماق دریاها در زمره میراث مشترک بشریت قرار می گیرد؟ برای پاسخگویی به سؤال اصلی پژوهش، ابتدا به بررسی نظام حقوقی بین المللی موجود ناظر بر حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی پرداخته و سپس قابلیت اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیک دریایی و ابعاد حقوقی ناشی از نظام تسهیم منافع حاصله از منظر حقوق بین الملل معاصر تشریح می شود.

۱. نظام حقوقی بین المللی موجود برای حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی

از اعصار پیشین تاکنون، نظام حقوقی بین المللی ناظر بر حفاظت و بهره برداری از منابع ژنتیکی و تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی مشتمل بر حقوق بین الملل عرفی و معاهداتی و مقررات حقوق نرم (قوام نیافته) به تدریج شکل گرفته و کمابیش در حال توسعه و تکامل است. به منظور تحلیل حقوقی جامع مسئله حفاظت و بهره برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی و تحلیل عناصر اساسی سند حقوقی الزام آور جدید برای حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها، باید ابتدا نگاهی به مقررات حقوقی بین المللی موجود و حاکم بر موضوع افکند و سپس خلاها و کاستی های نظام حقوقی مذکور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

۱-۱. مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در زمینه حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی دریایی

پیشرفت های چشمگیر حیات و تکنولوژی انسانی در سال های اخیر و بویژه پس از تدوین کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها موجب بروز خطرات و آسیب های جدی به اکوسیستم ها و تنوع زیستی موجود در آن گردیده است که مواجهه با آنها نیازمند مکانیسم های حقوقی قابل اعمال و مدیریت جامع، یکپارچه و احتیاط محور است. کنوانسیون حقوق دریاها به عنوان قانون اساسی اقیانوس ها و دریاها مقررات متعددی را در خصوص حفاظت و حمایت از محیط

1. Biological Diversity beyond National Jurisdiction (BBNJ).

زیست دریایی و اکوسیستم‌های آن تدوین نموده است که اگرچه محصول مذاکرات دولت‌ها در خصوص مسائل مبتلابه در زمان تدوین این کنوانسیون است و نه موضوعات مستحدثه جدید، اما غالب مقررات آن به گونه‌ای تدوین شده که بتواند به عنوان قواعد کلی و اساسی برای اعمال بر شرایط جدید سازگاری و انطباق داشته باشد. در این راستا، بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها مشتمل بر تعهدات کلی دولت‌ها در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی از جمله مناطق ورای صلاحیت ملی است که می‌تواند از نقاط قوت کنوانسیون در تدوین نظام کلی حاکم بر حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی قلمداد شود. تنها دو نوع از مقررات پیش‌بینی شده در کنوانسیون حقوق دریاها به طور مستقیم بر حفاظت از تنوع زیستی دریایی قابل اعمال است؛ اول تعهد مندرج در بند ۵ ماده ۱۹۴ که مقرر می‌دارد اقدامات صورت گرفته در انطباق با بخش یازدهم کنوانسیون بایستی مشتمل بر اقدامات ضروری در راستای حمایت و حفاظت از اکوسیستم‌های کمیاب یا آسیب‌پذیر شامل زیست‌بوم در معرض نابودی، گونه‌های در معرض تهدید یا خطر و سایر اقسام حیات دریایی باشد. از سوی دیگر، کنوانسیون، مشتمل بر مقرراتی است که دولت‌ها را ملزم می‌کند اقدامات لازم (اعم از اقدامات جمعی یا فردی) را برای پیشگیری و کاهش تمامی اشکال آلودگی محیط زیست دریایی و همچنین اجتناب از انتقال آلودگی‌های ناشی از تکنولوژی و مواد سمی به دریا و یا تبدیل نوعی از آلودگی به نوعی دیگر به عمل آورند.^۱

علاوه بر مقررات کلی مذکور، کنوانسیون حقوق دریاها حاوی مقررات خاصی در رابطه با حفاظت از تنوع زیستی دریایی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر منطقه اعماق و دریاهای آزاد قابل اعمال می‌باشد. فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد اگرچه چارچوب میراث مشترک بشریت را در اعماق دریا و در ماورای محدوده سرزمینی کشورها تبیین نموده، اما تعهدات مندرج در آن در برخی زمینه‌ها از جمله موضوع حفاظت پایدار از تنوع زیستی دریایی دارای ابهامات و کاستی‌هایی است که به علت فقدان اطلاعات علمی تدوین‌کنندگان کنوانسیون نسبت به وجود منابع ژنتیکی و تنوع زیستی گسترده در مناطق ورای صلاحیت ملی پدید آمده است. از سوی دیگر به علت تعارض شکلی میان مقررات کنوانسیون به واسطه

۱. ر.ک به مواد ۱۹۴، ۱۹۵ و ۱۹۶ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲.

اتخاذ دو رژیم حقوقی متفاوت حاکم بر مناطق ورای صلاحیت ملی شامل دریاهای آزاد (اصل آزادی دریاها) و منطقه اعماق (نظام میراث مشترک بشریت)، موضوع تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی واقع در منطقه ورای صلاحیت ملی دولت‌ها تابع نظام حقوقی مشخصی قرار نگرفته و این امر به واسطه ماهیت ذهنی و غیر قابل تعین منابع ژنتیکی و تنوع زیستی دریایی موجب ابهامات، تضادها و اختلافات گسترده‌ای میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در خصوص تعیین رژیم حقوقی حاکم بر منابع مذکور گردیده است.

کنوانسیون حقوق دریاها اگرچه حاوی مقرراتی در ارتباط با دریاهای آزاد (بخش هفتم کنوانسیون)، منطقه اعماق (بخش یازدهم کنوانسیون) یا تحقیقات علمی دریایی (بخش سیزدهم کنوانسیون) است، اما به طور مشخص موضوع منابع ژنتیک دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی را تحت شمول خود قرار نداده و همچنین در هیچ قسمتی از کنوانسیون عبارت «منابع ژنتیکی دریایی» مورد استفاده یا تعریف قرار نگرفته است. در رابطه با دریاهای آزاد، بخش هفتم کنوانسیون بدون اشاره به منابع ژنتیک دریایی، حاوی مقرراتی در خصوص تعهد دولت‌ها به اتخاذ اقداماتی برای حفاظت از منابع زنده است و به طور مشابه در رابطه با منطقه اعماق، برخی تدابیر لازم برای حمایت از محیط زیست دریایی در قبال آثار زیان بخش ناشی از فعالیت‌های انسانی در منطقه اعماق مقرر شده است.

در کنار رژیم دریاهای آزاد برای منابع زنده دریایی، بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها اعلام می‌نماید که منابع غیرجاندار اعماق دریاها ورای صلاحیت ملی، میراث مشترک بشریت به شمار می‌روند و تحت حاکمیت یک نهاد جهانی، یعنی مقام بین‌المللی اعماق قرار دارند که از جانب بشریت در کلیت آن عمل نموده و منافع مالی و اقتصادی ناشی از فعالیت‌ها در منطقه را به نحو منصفانه تسهیم می‌نماید. مقام بین‌المللی اعماق از اختیار وضع قواعد و اصول راهنما برای بررسی تأثیرات آثار زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌ها در منطقه برخوردار است و نیز می‌تواند استخراج منابع در مناطقی را که خطر ورود آسیب جدی به محیط زیست آن وجود دارد ممنوع اعلام نماید.^۱ در حقیقت کنوانسیون به صراحت دامنه صلاحیت تجویزی مقام بین‌المللی اعماق را گسترش می‌دهد و آن را به حفاظت از منابع طبیعی منطقه و پیشگیری از ورود خسارت به گونه‌های گیاهی و جانوری محیط زیست دریایی قابل تسری

۱. ر.ک به ماده ۱۴۵ کنوانسیون و بخش یازدهم موافقتنامه اجرایی بخش یازدهم مصوب ۱۹۹۴.

می‌داند.^۱

از یک دیدگاه می‌توان چنین استنباط نمود که بخش یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها صرفاً یک نظام حقوقی تفصیلی برای قاعده‌مند نمودن استخراج و بهره‌برداری از مواد معدنی اعماق دریاها و توزیع منافع ناشی از آن میان دولت‌های عضو کنوانسیون بر مبنای اصل انصاف و انتقال تکنولوژی مربوطه به سایر کشورها مقرر می‌نماید و حاوی مقررات مشخصی در خصوص سایر منابع موجود در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها نیست. بر اساس بند ۱ ماده ۱۳۳ کنوانسیون حقوق دریاها در رابطه با نظام حقوقی منطقه، عبارت «منابع» به منزله کلیه منابع معدنی جامد، مایع یا گازی شامل کلوخه‌های چندفلزی^۲ که در قالب منابع داخل زیستگاه در اعماق یا کف بستر واقع می‌شود تعریف شده است. بسیاری از محققان معتقدند از این مفهوم چنین استنباط می‌شود که منابع معدنی تنها مشمول منابع غیرجاندار است و منابع ژنتیکی دریایی را دربر نمی‌گیرد. به علاوه تصریح ماده فوق در خصوص منابع داخل زیستگاه^۳ واقع در اعماق یا کف بستر اقیانوس موجب می‌شود که منابع ژنتیکی واقع در سطوح آبی از شمول این کنوانسیون مستثنی شوند.^۴ بنابر این تفسیر، با توجه به سکوت موجود در کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص نظام حاکم بر دسترسی به منابع جاندار دریایی، تملک و تصاحب آنها با رعایت حقوق سایر ملت‌ها و به طور آزادانه امکان‌پذیر است. در مقابل این تفسیر، دیدگاه دیگری وجود دارد که معتقد است رویه فوق موجب انقراض ارگانسیم‌های جوامع بیولوژیکی و ورود آسیب‌های جدی به آنها می‌گردد و لذا اصل میراث مشترک بشریت باید بر گونه‌های آسیب‌پذیر و منابع ژنتیکی واقع در اعماق دریاها حاکم باشد.^۵

۱. این مفهوم به روشنی در بند ۲ ماده ۱۴۵ کنوانسیون حقوق دریاها متجلی است.

2. Polymetallic Nodules.

۳. «حفاظت درونی» یا «In-situ Conservation» به معنی حفاظت از اکوسیستم‌ها و زیستگاه‌های طبیعی و نگهداری و احیای جمعیت‌های مانای گونه‌ها در محیط طبیعی‌شان و در مورد گونه‌های اهلی یا اصلاح شده، در محیط‌هایی است که خصوصیات ویژه خود را در آن توسعه بخشیده‌اند. ماده ۲. کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲.

4. Thomas Greiber, "Access and Benefit Sharing in Relation to Marine Genetic Resources from Areas Beyond National Jurisdiction, A Possible Way Forward", A Study in Preparation of the Informal Workshop on Conservation of Biodiversity beyond National Jurisdiction, Research Project of the Federal Agency for Nature Conservation, (2011), p 12. Horst Korn, Susanne Friedrich and Ute Feit, *Deep Sea Genetic Resources in the Context of the Convention on Biological Diversity and the United Nations Convention on the Law of the Sea* (Germany: Federal Agency for Nature Conservation, 2003), pp.75-76.

5. Ibid.

همچنین مقررات کلی در کنوانسیون حقوق دریاها، بسیاری از موضوعات مربوط به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی و چالش‌های جامعه بین‌المللی طی سال‌های اخیر و پس از امضای کنوانسیون ایجاد گردیده‌اند و جامعه علمی حقوقی بین‌المللی کمابیش به این نتیجه دست یافته است که علی‌رغم نقاط قوت و ضعفی که در مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در خصوص تنوع زیستی دریایی، مناطق ورای صلاحیت و حفاظت از محیط زیست دریایی مستتر است، نظام حقوقی موجود برای اعمال بر مقتضیات جدید کافی نبوده و باید مطابق با آنها تکمیل و اصلاح گردد.^۱ به هر ترتیب، تعبیه مقررات مذکور در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها به عنوان قانون اساسی اقیانوس‌ها در خصوص محیط زیست و تنوع زیستی دریایی، منابع بیولوژیک و جاندار دریایی و شناسایی نهادهای قانونی همچون مقام بین‌المللی اعماق دریاها، نشانگر رویکرد تحولی کنوانسیون در شناسایی صلاحیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و کنفرانس‌های دیپلماتیک برای تصویب قواعد، مقررات و اتخاذ رویه‌های توصیه‌ای و احتیاطی برای پیشگیری و مقابله با تخریب محیط زیست دریایی است که خود به نوعی نوآوری کنوانسیون در دهه ۱۹۸۰ محسوب می‌شود.^۲ به طور کلی مقررات کنوانسیون حقوق دریاها به منزله سند حقوقی مادر موجب توسعه حقوق بین‌الملل عرفی و معاهداتی در زمینه حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیکی و تنوع زیستی دریایی به معنای اعم آن می‌گردد. بدین ترتیب، در مواقعی که کاستی‌ها و خلاهای حقوقی در مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای حل معضلات اقیانوس‌ها و دریاها آشکار می‌شود، توسل به رویه سازمان‌های بین‌المللی و مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در خصوص نظام حقوقی حاکم بر تنوع زیستی و منابع ژنتیکی دریایی می‌تواند به منزله راهکار برون‌رفت از بحران تلقی شود.

۲-۱. کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۹۹۲

کنوانسیون تنوع زیستی، چارچوب حقوقی جامعی را برای حفاظت از تنوع زیستی مقرر

1. Kristina M. Gjerde, "Challenges to Protecting the Marine Environment beyond National Jurisdiction", *International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol.27, (2012), pp.839-47.

2. Catherine Redgewell, "The 1982 LOSC and Protection of the Marine Environment", In David Freestone, et al (eds) *The Law of the Sea: Progress and Prospects*, Oxford: Oxford University Press, 2006), p.188.

می‌کند و به عنوان دومین سند حقوقی حائز اهمیت در این زمینه، تعهدات کلی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها در زمینه حمایت از محیط زیست دریایی را تسری می‌بخشد. اصول و اهداف کنوانسیون تنوع زیستی بر اساس ماده ۱ آن عبارتند از: حفاظت از تنوع زیستی، بهره‌برداری پایدار از اجزای تنوع زیستی و تسهیم منافع منصفانه و عادلانه ناشی از استفاده از منابع ژنتیکی.

این کنوانسیون برای نخستین بار مفهوم دسترسی به منابع ژنتیکی و تسهیم منافع عاید از آن را با ایجاد توازن میان منافع کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه معرفی می‌کند.^۱ اگرچه واژه «منافع» در کنوانسیون تعریف نشده است، اما می‌تواند شامل نتایج تحقیقات و توسعه، منافع تجاری و سایر منافع ناشی از استفاده از منابع ژنتیکی، دسترسی به انتقال تکنولوژی، تحقیقات بیوتکنولوژی و دسترسی به نتایج ناشی از آنها باشد.^۲

کنوانسیون در ماده ۱۵ حقوق حاکمه دولت‌ها بر منابع ژنتیک دریایی از جمله حق دولت‌ها برای قانون‌گذاری و کنترل بهره‌برداری از منابع ژنتیکی خود را به رسمیت می‌شناسد. با وجود این، حق حاکمیتی دولت‌های تأمین‌کننده منشأ منابع ژنتیک وفق کنوانسیون مذکور واجد محدودیت‌هایی است و دولت‌های عضو این سازوکار ملزم به ایجاد شرایطی جهت تسهیل دسترسی به منابع ژنتیکی قلمروی خود در راستای اهداف کنوانسیون می‌باشند. دسترسی به منابع ژنتیکی وفق کنوانسیون تنوع زیستی مشروط به رضایت قبلی دولتی است که منابع ژنتیکی را فراهم نموده است مگر آنکه دولت عضو به گونه دیگری تعیین نماید.

کنوانسیون تنوع زیستی به همراه کنوانسیون حقوق دریاها دولت‌های عضو را به حفاظت از منابع جاندار و تحقیقات علمی دریایی راجع به منابع واقع در مناطق ورای صلاحیت ملی ملزم می‌نمایند.^۳ به علاوه هیچیک از کنوانسیون‌های حقوق دریاها و تنوع زیستی، موضوع دسترسی به منابع ژنتیکی در دریای آزاد یا منطقه اعماق را به صورت مستقیم مطرح نکرده است؛ کنوانسیون تنوع زیستی تلاش می‌کند تنوع منابع ژنتیکی را نیز مورد حفاظت قرار دهد، در حالی که کنوانسیون حقوق دریاها تنها در خصوص حفاظت از گونه‌ها یا منابع خاص آبزیان

۱. ر.ک به ماده ۱۵ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲.

۲. ر.ک به ماده ۱۵، ۱۶ و ۱۹ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲.

۳. ر.ک به ماده ۸۷ و ۱۴۳ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ و ماده ۵، ۱۷، ۱۸ و ۲۲ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲.

مقرراتی وضع نموده است.^۱ بنابر آنچه از ماده ۲۲ کنوانسیون تنوع زیستی و ماده ۳۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها مستفاد می‌شود، در مواقعی که میان تعهدات مندرج در کنوانسیون تنوع زیستی با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها تعارضی حادث شود، این تعارض به نفع کنوانسیون اخیر حل و فصل خواهد شد. بر این اساس، در موارد بروز تعارض میان حقوق و تعهدات دولت‌ها وفق حقوق موجود، راه‌حل خروج از بحران، توسل به راهکار حقوق بین‌الملل دریاها مشتمل بر مقررات حقوق بین‌الملل عرفی و کنوانسیون حقوق دریاها خواهد بود.^۲ همچنین ماده ۳۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها از طرف دیگر مقرر می‌دارد که مقررات موافقتنامه‌های حاضر و آینده در زمینه حقوق دریاها (از جمله کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲) باید با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها مطابقت داشته باشد و نیز مستفاد از بند ۳ همین ماده اصول اساسی و بنیادین مندرج در کنوانسیون که تخلف از آن‌ها با موضوع و هدف کنوانسیون مغایرت دارد بر سایر مقررات تفوق و برتری دارند.^۳

بر اساس ماده ۴ کنوانسیون تنوع زیستی، محدوده صلاحیتی کنوانسیون بر عناصر تنوع زیستی اعم از رژیم منابع ژنتیکی دریایی واقع در صلاحیت ملی دولت‌ها اعمال می‌شود که وفق حقوق بین‌الملل دریاها شامل مناطق تحت حاکمیت دولت‌ها می‌گردد. در خصوص عناصر تنوع زیستی وفق ماده فوق، قابلیت اعمال کنوانسیون تنوع زیستی محدود به مناطق تحت صلاحیت ملی دولت‌هاست، در حالی که در خصوص رویه‌ها و فعالیت‌های مرتبط با تنوع زیستی، چنانچه تحت صلاحیت یا کنترل دولت‌های عضو-خواه در مناطق تحت صلاحیت ملی یا ورای آن-انجام شوند، مقررات کنوانسیون صرف‌نظر از مکان تأثیرگذاری اثرات آن فعالیت‌ها اعمال خواهد شد.^۴ بنابر این تفسیر، فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت یا

۱. ر.ک به ماده ۱۱۹ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲.

2. Lyle Glowka, et al, "A Guide to the Convention on Biological Diversity", Report of International Union for Conservation of Nature, Environmental Policy and Law Paper, No.30, (1994), p.109.

۳. ر.ک به ماده ۲۲ کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ و ماده ۳۱۱ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲. برای مطالعه بیشتر، ر.ک

به:

Alexander Proelss, "Access and Benefit Sharing in Relation to Marine Genetic Resources", In Evanson C. Kamau and Gerd Winter (eds.) *Genetic Resources, Traditional Knowledge and the Law, Solutions for Access and Benefit Sharing* (Earthscan: London, 2009) at 59.

4. Robin Warner, "Conserving Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: Co-Evolution and Interaction with the Law of the Sea", In Donald

کنترل دولت ساحلی یا صاحب پرچم در مناطق ورای صلاحیت ملی انجام می‌شوند، از قبیل اکتشاف و استخراج منابع ژنتیکی برای مصارف تجاری و پزشکی می‌توانند مشمول کنوانسیون تنوع زیستی قرار گیرند.

از سوی دیگر، پروتکل ناگویا منضم به کنوانسیون تنوع زیستی راجع به دسترسی به منابع ژنتیکی و تسهیم منافع عادلانه و منصفانه عواید ناشی از بهره‌برداری از آن‌ها^۱ اهداف مربوط به حفاظت از منابع ژنتیک و نظام تسهیم منافع را از طریق ایجاد مبنایی برای قطعیت حقوقی و شفافیت بیشتر برای هریک از طرف‌های تأمین‌کننده منابع ژنتیک و استفاده‌کنندگان آن بهبود بخشیده و تقویت نموده است. اگرچه محدوده صلاحیتی پروتکل ناگویا آن‌چنان‌که در ماده ۳ آن قید شده است، به‌وضوح محدوده جغرافیایی اعمال پروتکل را معین نمی‌کند، بلکه تنها منابعی که تحت شمول صلاحیت پروتکل قرار می‌گیرد و محدوده صلاحیت ماهوی آن را مورد تعریف قرار می‌دهد.^۲ نکته قابل توجه آن است از آنجا که مقررات پروتکل ناگویا بر پایه دو مفهوم اساسی حقوق مالکیت فکری شامل "رضایت از پیش اعلام شده"^۳ و "شروط متقابل مورد توافق"^۴ برای دسترسی و بهره‌برداری از منابع بیولوژیک تدوین شده است، برای اعمال بر تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی واقع در مناطق ورای صلاحیت که بنابر تفسیر کنوانسیون حقوق دریاها تحت حاکمیت و صلاحیت هیچ دولتی قرار نمی‌گیرند، از جامعیت برخوردار نبوده و قابل اعمال نیست.

۲. نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی بین‌المللی موجود برای حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع بیولوژیکی دریایی و تنوع زیستی

با توجه به آنچه در مبحث پیش بیان شد نظام حقوقی موجود حاکم بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی حاوی مقررات متعددی برای ضابطه‌مند نمودن فعالیت‌های انسانی در محیط زیست دریایی و نیل به نظام تنوع زیستی پایدار

Rothwell and others (eds), *The Oxford Handbook of the Law of the Sea* (Oxford: Oxford University Press, First edition, 2015), p.757.

1. Union of Ethical Bio Trade, Nagoya Protocol on Access and Benefit Sharing, Technical Brief, 2010.

2. Thomas Greiber, op.cit, p. 18.

3. Prior-informed Consent.

4. Mutually Agreed Terms.

است که به عنوان دستاورد جامعه بین‌المللی حاضر در گذر زمان، از جامعیت نسبی برخوردار بوده است، در عین حال که ضعف‌ها و خلاهای متعددی در رژیم حقوقی حاکم بر آن به چشم می‌خورد. در خصوص نظام حقوقی حاکم بر حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی و تنوع زیستی در کنوانسیون حقوق دریاها، باید خاطر نشان نمود که تعهدات کلی حمایتی و حفاظتی دولت‌ها در خصوص اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر و زیست‌بوم گونه‌های در معرض خطر و سایر اقسام حیات دریایی مندرج در کنوانسیون در حقیقت سنگ بنای سایر مقررات حقوقی بین‌المللی را تشکیل می‌دهد و به نوعی حقوق بین‌الملل عرفی ناظر بر حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی و پیشگیری از آلودگی دریایی در تمام اشکال آن را تدوین نموده است. این مقررات به واسطه شناسایی صلاحیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اجلاس‌های دیپلماتیک برای تدوین قواعد، قوانین و رویه‌های توصیه‌ای برای پیشگیری و کاهش و کنترل آلودگی از خاصیت رویکرد تحولی برخوردارند و به توسعه و تحول قواعد حمایتی و استانداردهای حفاظتی به سطح رویکرد احتیاطی (عبارت از اصل بر ممنوعیت اقدامات، مگر در صورت تجویز قانون یا شرایط و اوضاع و احوال مرتبط) منجر می‌شوند.^۱ با این وجود، توجه صرف کنوانسیون حقوق دریاها بر آلودگی‌های دریایی و تأکید بر پیشگیری از آن بیشتر از سایر ملاحظات تنوع زیستی از قبیل منابع ژنتیکی و گونه‌ها و اکوسیستم‌های محیط زیست دریایی به نوبه خود از نقاط ضعف موجود در مقررات این سند به شمار می‌رود.

به‌طور کلی، کاستی‌های کنوانسیون حقوق دریاها از یکسو شامل حیطه اجرای قواعد مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی بدون توجه به نابودی و تخریب روزافزون تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی و از سوی دیگر، اقدامات اندک صورت گرفته برای پیشگیری و اجتناب از نابودی اکوسیستم‌های آسیب‌پذیر و گونه‌های خاص می‌گردد. می‌توان گفت رویکرد منطقه-محور در کنوانسیون که بر مبنای فاصله از ساحل اندازه‌گیری می‌شود، علی‌رغم نقشی که در تعیین حقوق و تکالیف دولت‌های ساحلی، صاحب پرچم^۲ و سایر آنها ایفا می‌کند، نتوانسته

۱. به عنوان نمونه ر.ک به مواد ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶ و ۲۰۸ کنوانسیون حقوق دریاها که این رویکرد تحولی را منعکس می‌نمایند.

۲. همچنین تأکید کنوانسیون بر نقش و تکالیف دولت صاحب پرچم به عنوان اصلی‌ترین عامل اجرای قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی در دریاها آزاد مورد انتقاد واقع شده چراکه کشورهای بسیاری علی‌رغم استفاده گسترده از شناورهای صاحب پرچم، در زمینه اجرای حداقل استانداردهای زیست‌محیطی حساسیت‌های لازمه را ندارند.

است ارتباط متقابل و نیز حساسیت و آسیب‌پذیری اکوسیستم‌ها یا گونه‌هایی که مدام به مناطق ورای صلاحیت ملی مهاجرت می‌کنند را به نحو دقیق تحت شمول مقررات خود قرار دهد و این یکی از مهمترین ضعف‌های کنوانسیون به شمار می‌رود.^۱ همچنین در خصوص مناطق دریایی ورای صلاحیت ملی، مقررات کنوانسیون حقوق دریاها یک صلاحیت مجزا (تقسیم شده) به جای صلاحیت منسجم ایجاد می‌کند و وضعیت حقوقی متمایز میان ستون آبی دریاها^۲ و بستر و اعماق دریاها در مناطق ورای صلاحیت ملی موجب می‌شود توسعه رویکرد جامع به حفاظت از محیط زیست دریایی و حفاظت از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی با پیچیدگی‌هایی مواجه گردد.^۳ به‌علاوه رویکرد تحولی مندرج در کنوانسیون و رویکرد احتیاطی که علی‌رغم عدم طرح مستقیم آن در کنوانسیون ۱۹۸۲ همواره مورد تأکید کنوانسیون ذخایر ماهی ۱۹۹۵ به عنوان موافقتنامه اجرایی کنوانسیون حقوق دریاها واقع شده به یک رویکرد واکنشی صرف محدود شده است، به نحوی که بسیاری از فعالیت‌هایی که منجر به آسیب جدی و غیر قابل جبران به محیط زیست مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها از قبیل توسعه تأسیسات نفتی و گازی در سواحل، تعبیه کابل‌های دریایی، تحقیقات علمی دریایی و فرسایش اقیانوسی می‌گردد، بدون ضابطه و قاعده مشخص و الزام‌آوری رها شده‌اند و مقررات مربوط به ارزیابی محیط زیستی ناشی از فعالیت‌های انسانی با پیشرفت اندکی مواجه بوده است.^۴

از یک دیدگاه حقوقی صرف، می‌توان خلاها و کاستی‌های نظام حقوقی ناظر بر تنوع زیستی دریایی و حفاظت از منابع ژنتیکی را به دو دسته حائز اهمیت مشتمل بر خلاها و ضعف‌های قانونگذاری و مدیریتی (ضعف‌های حاکمیتی و عملیاتی) تقسیم‌بندی نمود.

برای مطالعه بیشتر، ر.ک به:

Kristina M. Gjerde, "Enhancing Integrated Management beyond National Jurisdiction under the Environmental Provisions of the UN Convention on the Law of the Sea", International Union for Conservation of Nature, appeared originally as "Challenges to Protecting the Marine Environment beyond National Jurisdiction", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, No. 27, (2012), pp.839-847.

1. Dire Tladi, "Ocean Governance: A Fragmented Regulatory Regime", In P.Jacquest, R.K. Pachuari, L. Tubiana (eds), *Oceans: The New Frontier*, (Delhi: TERI Press, 2011), pp. 99-110

2. Water Column.

3. For Further Information, See: Jeff Ardrone, and Robin Warner, "International Marine Governance and Protection of Biodiversity", In Hance D Smith et al, (eds), *Routledge Handbook of Ocean Resources and Management* (UK: Routledge Publishing, 2015).

4. For Further Information, see: Kristina M. Gjerde, et al., *Regulatory and Governance Gaps in the International Regime for the Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction*, (Switzerland: International Union for Conservation of Nature, 2008).

خلاهای قانونگذاری بر مبنای یک دیدگاه، عبارت است از خلاهای ماهوی و یا جغرافیایی در چارچوب نظام حقوقی بین‌المللی موجود و مشتمل بر مسائلی است که تاکنون در سطوح جهانی، منطقه‌ای و محلی ضابطه‌مند نشده است یا به میزان کافی در قالب معاهدات و سازوکارهای حقوقی مورد توجه قانونگذار بین‌المللی قرار نگرفته است. افزون بر آن، خلاهای حاکمیتی و مدیریتی، ناظر بر کاستی‌هایی در چارچوب ساختاری و سازمانی بین‌المللی است که شامل فقدان نهادها یا مکانیسم‌هایی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و محلی و یا اختیارات نامتقارن و ناسازگار نهادها و سازمان‌های موجود در راستای حاکمیت بر موضوعات و مسائل اقیانوس‌ها می‌گردد.^۱

هنگام مطالعه جامع پیرامون نقاط قوت و ضعف نظام حقوقی حاکم بر تنوع زیستی دریایی و منابع ژنتیکی نبایستی کاستی‌های منشأ گرفته از عدم مدیریت و حاکمیت بر اقیانوس‌ها و خلا سازوکارهای عملیاتی ناشی از آن‌ها نادیده انگاشته شود. این خلاها شامل فقدان مکانیسم‌هایی برای تضمین همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجرایی و ابزارهای مدیریتی ناظر بر فعالیت‌های انسانی در مناطق ویرای صلاحیت ملی به همراه فقدان مدیریت جامع و یکپارچه بر منابع تنوع زیستی و بیولوژیکی و معضلات ناشی از عدم اجرای تعهدات شناورهای تحت پرچم به موجب مقررات موجود جامعه بین‌المللی است.^۲ از سوی دیگر، فقدان فرایندهای اجرایی یا نهادی برای تضمین اجرای اصول نوین حاکمیت محیط زیست شامل اصل شفافیت، مسئولیت، مشارکت بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، تسهیم عادلانه منافع عاید و انصاف درون‌نسلی و میان‌نسلی و بویژه اختلافات ناشی از اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیک دریایی به نوبه خود از خلاهای مدیریتی جامع و حاکمیت بر اقیانوس‌ها به حساب می‌آید.^۳ این مفاهیم به همراه فقدان شناسایی سمت حقوقی برای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به نمایندگی از خود و جامعه بین‌المللی برای طرح دعوا در محاکم بین‌المللی و سایر مجامع علیه دولت‌های خاطی به منظور تضمین حفاظت و بهره‌برداری پایدار

1. Ibid, p.1.

2. Rosemary Rayfuse, and Robin Warner, "Securing a Sustainable Future for the Oceans Beyond National Jurisdiction: The Legal Basis for an Integrated Cross-Sectoral Regime for High Seas Governance for the 21st Century", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, No.23, (2008), p.399.

3. IUCN, Workshop on High Seas Governance for the 21st Century, Co-Chairs Summary Report, 2007, pp.12-13.

از منابع زیستی، موجبات بروز کاستی‌های متعددی در نظام حقوقی بین‌المللی حاکم بر حفاظت از تنوع زیستی دریایی و محیط زیست در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها را فراهم نموده است.

۳. اجماع جامعه بین‌المللی بر تدوین کنوانسیون حقوقی الزام‌آور برای حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها

اگرچه مطالعات مربوط به ضرورت اقدام جهانی برای مقابله با خطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست دریایی با همت سازمان‌ها و نهادهای بین‌الدولی و غیردولتی از دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی آغاز شده بود،^۱ با این حال تا پیش از این، بارقه‌های امید جامعه جهانی برای تدوین یک سند معاهداتی جدید در خصوص تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی - خواه با اعمال اصل میراث مشترک بشریت یا بدون اعمال آن - کم‌فروغ به نظر می‌رسید، چراکه نه تنها قدرت‌های جهانی در ضرورت انعقاد چنین معاهده‌ای به شدت تردید ایجاد می‌کردند و نظام حقوقی موجود را به اندازه کافی غنی و قابل اتکا معرفی می‌کردند، بلکه میان کشورهای در حال توسعه، اختلاف نظرهایی در خصوص حدود و سیطره حقوقی سند الزام‌آور و ضرورت تدوین آن وجود داشت.

پیشنهاد اولیه برای تدارک ترتیبات جدید برای حاکمیت قانون بر اقیانوس‌ها برای نخستین بار در جلسات سالانه پروسه مشورتی غیررسمی سازمان ملل در رابطه با اقیانوس‌ها مطرح شد که از سال ۱۹۹۹ به همت مجمع عمومی ملل متحد به موجب قطعنامه ۵۴/۳۳ مصوب ۱۷ نوامبر ۱۹۹۹ و برای بررسی موضوعات مربوط به اقیانوس‌ها برگزار گردید. اندکی پس از آن در سال ۲۰۰۴، بر اساس یافته‌ها و نتایج حاصل از پنجمین اجلاس فرایند مشورتی غیررسمی در زمینه موضوعات اقیانوس‌ها، توصیه‌هایی به مجمع عمومی ملل متحد ارائه گردید که حاوی پیشنهاد "تأسیس گروه کاری مجمع عمومی در رابطه با حفاظت از

1. See: International Union for Conservation of Nature and Natural Resources (IUCN), World Conservation Strategy, (1980), Section 18, paras 2-4.; World Commission on Environment and Development (WCED), Our Common Future, (1987), p. 261 and pp. 273-274.

2. United Nations Informal Consultative Process on Oceans and the Law of the Sea (UNICPOLOS).

تنوع زیستی دریا‌های آزاد در مناطق ورای صلاحیت ملی^۱ بود تا بتواند به نحو دقیق و کارشناسانه مذاکرات مربوط به حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی و بحران‌ها و چالش‌های پیش‌روی آن را در عصر حاضر راهبری نماید.^۱ به مرور زمان، پس از برگزاری جلسات متعدد فرایند مشورتی غیررسمی مجمع عمومی در زمینه مسائل اقیانوس‌ها، ریشه‌های اختلافات دولت‌ها و تعارضات منافع آنها در زمینه نظام حقوقی حاکم بر منابع ژنتیکی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی به تدریج از مباحثات دولت‌ها در جریان نشست‌های فرایند غیررسمی بویژه اجلاس هشتم آن در ژوئن ۲۰۰۷ قابل ملاحظه بود که نهایتاً به علت اختلافات مربوط به اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیکی دریایی، نتوانست به سند اجماع نهایی دست یابد. در این نشست، کشورهای عضو گروه ۷۷ و چین با تأکید بر این که نظام حاکم بر منابع بیولوژیکی باید مشابه منابع معدنی واقع در اعماق دریاها به موجب فصل یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها تابع میراث مشترک بشریت باشد، برای تقویت استدلال خود، به قطعنامه ۲۷/۴۹ مجمع عمومی مورخ ۱۹۷۰ استناد می‌کردند، سندی که اعلام می‌دارد تمام منابع منطقه اعماق، میراث مشترک بشریت هستند و لذا منابع جاندار دریایی به طور کلی باید به مثابه منابع معدنی تابع این نظام حقوقی باشند. در مقابل، کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته بدون شناسایی هرگونه اختلافی ناظر بر موضوع فوق، نظام دریا‌های آزاد به موجب بخش هفتم کنوانسیون را بر تمام منابع جاندار دریایی شامل منابع ژنتیک دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها قابل اعمال، ارزیابی می‌کردند.^۲

این شرایط در سال ۲۰۱۱ و با اجماع نسبی میان گروه ۷۷ در راستای ضرورت تدوین یک موافقتنامه اجرایی در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها برای تشریح نظام حقوقی حاکم بر منابع ژنتیک دریایی در مناطقی که به‌زعم آنها تابع اصل میراث مشترک بشریت هستند تغییر نمود. این تغییر موضع منجر شد گروه‌های کاری برای مطالعه مسائل مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از تنوع بیولوژیکی دریایی در مناطق ماورای صلاحیت ملی که فعالیت خود را از ۲۰۰۴ آغاز کرده بودند در سال ۲۰۱۱ با ارائه توصیه‌ای به مجمع عمومی آن را مخیر داشت از طریق شناسایی خلاها و بررسی راهکارهای پیش‌رو، گزینه‌های مختلف اعم از اجرای اسناد و

1. UNICPOLOS Fifth Meeting Report, UN Doc A/59/122, 1 July 2004.

2. UNICPOLOS Eighth Meeting Report, UN Doc A/62/169, 30 July 2007, Para 74.

ابزارهای حقوقی موجود و یا توسعه احتمالی یک موافقتنامه چندجانبه در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ را مورد ارزیابی قرار دهد.^۱ نهایتاً مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۳ ژوئن ۲۰۱۵ قطعنامه‌ای با عنوان «تدوین یک سند الزام‌آور بین‌المللی در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها جهت بررسی تنوع بیولوژیکی و رای صلاحیت ملی دولت‌ها» را به تصویب رساند که براساس آن، توسعه یک سند حقوقی الزام‌آور در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در خصوص حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در مناطق و رای صلاحیت ملی مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب، مذاکرات تدوین کنوانسیون الزام‌آور در زمینه حفاظت و بهره‌برداری از منابع بیولوژیکی دریاها در مناطق و رای صلاحیت ملی در قالب کمیته‌های مقدماتی مجمع عمومی آغاز گردید.

در خصوص اصول کلی قابل اعمال، آنچه کمابیش در این پروسه مورد وفاق است آنکه سند حقوقی الزام‌آور در زمینه نظام حقوقی حاکم بر تنوع زیستی دریایی باید مشتمل بر اصولی باشد که از مبنای حقوقی معاهداتی یا عرفی صریحی برخوردار است. کشورهای در حال توسعه علی‌رغم آنکه پیرامون رژیم حقوقی حاکم بر منابع ژنتیک دریایی شامل مسأله تسهیم منافع، تدابیر مربوط به ابزارهای مدیریت منطقه‌ای، مناطق حفاظت شده دریایی و ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های انسانی اختلاف نظر دارند، اما عمدتاً بر اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع بیولوژیکی دریایی هم عقیده هستند. آنها خواهان محدود نمودن بهره‌برداری بی‌رویه کشورهای قدرتمند اقتصادی از منابع بیولوژیکی دریایی در چارچوب نظام حقوقی قابل اعمال در موافقتنامه اجرایی الزام‌آور آتی می‌باشند، در حالی که کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته با هرگونه تقیید و چارچوب‌بندی رژیم حقوقی حاکم بر نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع بیولوژیکی مخالفت می‌ورزند. بدین ترتیب، کنوانسیون حقوقی الزام‌آور که قرار است نظام حاکم بر تنوع زیستی دریایی در مناطق و رای صلاحیت ملی را قاعده‌مند نماید، باید با مقررات موجود و سازوکارهای کنوانسیون حقوق دریاها و سایر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه انتقال تکنولوژی منطبق باشد و نیز مکانسیم‌های عملی‌تری را در راستای تحقق یک رویکرد جامع و منسجم برای ظرفیت‌سازی در خصوص

1. Recommendations of the Ad Hoc Open-ended Informal Working Group to Study Issues Relating to the Conservation and Sustainable Use of Marine Biological Diversity in Areas beyond National Jurisdiction, Doc A/66/119, 2011, Para 1.

تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی تضمین نماید.^۱

۴. اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیک دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی و نظام تسهیم منافع؛ آثار و ابعاد حقوقی

یکی از مهمترین موضوعات اختلافی که در گروه‌های کاری مجمع عمومی برای مطالعه مسائل مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از تنوع بیولوژیکی دریایی در مناطق ماورای صلاحیت ملی مورد توجه و بررسی قرار گرفت، اصل میراث مشترک بشریت و قابلیت اعمال آن در خصوص منابع ژنتیک دریایی است. مسأله قابلیت اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیک دریایی، موجب طرح مباحث گوناگون از منظر حقوق بین‌الملل معاصر در رابطه با حقوق به مثابه آنچه هست (حقوق موجود) یا حقوق به مثابه آنچه باید باشد (حقوق آرمانی) گردید. به همین ترتیب، در جریان مذاکرات گروه‌های کاری اختلاف نظرهای زیادی در خصوص قابلیت اعمال و محدوده اصل میراث مشترک بشریت مطرح شد که در ادامه به اجمال به آن پرداخته می‌شود.

۴-۱. قابلیت اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع ژنتیک دریایی

منشا ظهور مجدد اصل میراث مشترک بشریت به شکاف عمیق میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه (شمال-جنوب) باز می‌گردد، به نحوی که کشورهای توسعه یافته عموماً اعمال اصل میراث مشترک بشریت را زیر سؤال می‌برند و کشورهای جنوب در حال توسعه عموماً مدافع اعمال اصل میراث مشترک بشریت هستند. با وجود این، به‌زعم کشورهای در حال توسعه، از آنجا که قرار است سند جدید برای حفاظت و بهره‌برداری از منابع ژنتیکی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی یک موافقتنامه اجرایی در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ باشد، اعمال اصل میراث مشترک بر منابع بیولوژیکی باید از همان منظر کنوانسیون سرچشمه گیرد. در حالی که مفاد کنوانسیون جدید نه تنها بر منابع بیولوژیکی موجود در منطقه بلکه بر منابع موجود در تمام مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها قابل اعمال است. این موضع

1. Goncals, Raphael Magno Vianna, and Jonathan Ruillé, "Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas Beyond National Jurisdiction", Human Sea Program, European Research Council and University of Nantes, Vol. 23, (2017), p.1

کشورهای در حال توسعه همواره با شدت و ضعف قابل توجهی همراه بوده است، کما اینکه برخی از کشورهای حامی اصل میراث مشترک بشریت در مقاطعی آن را قابل تقلیل به تئوری عملی تسهیم منافع دانسته‌اند.^۱

اگرچه ایده تسهیم منافع ممکن است اقبال بیشتری برای حصول نتیجه در قالب مذاکرات تدوین موافقتنامه اجرایی داشته باشد، اما نباید از نظر دور داشت که حذف مفهوم میراث مشترک بشریت ممکن است موافقتنامه آتی را از نتایج مهمی که از این اصل ناشی می‌شود محروم نماید. مباحثات گروه کاری در خصوص موضوع، حول این سوال محوریت یافت که بر اساس آنچه حقوق موجود ارائه می‌کند، آیا منابع ژنتیکی دریایی در اعماق دریاها تحت سیطره رژیم حقوقی بخش هفتم کنوانسیون حقوق دریاها (آزادی دریاها) قرار می‌گیرد و یا بخش یازدهم (میراث مشترک بشریت)؟

«بشریت» به عنوان مفهومی ماورای مکان و زمان، فارغ از تضمین منافع تمامی افراد نسل‌های حال حاضر و عدالت درون‌نسلی، حقوق نسل‌های آینده را نیز در برمی‌گیرد. این مفهوم تا اوایل دهه ۱۹۷۰ برای حقوق‌دانان بین‌المللی ناشناخته بود و با تصویب اعلامیه استکهلم برای نخستین بار مورد شناسایی قرار گرفت. از آن پس، «میراث مشترک بشریت» به عنوان نقطه تحول حقوق دریاها، فراتر از نظام دولت-محوری و در تقابل با آن جلوه‌گر شده است.^۲ این مفهوم از ابتدا تاکنون به لحاظ محدوده، محتوا و وضعیت حقوقی و نیز ارتباطش با سایر مفاهیم حقوقی، مفهومی چالشی بوده^۳ و به علت ماهیت اختلافی آن در اسناد حقوقی

۱. به عنوان نمونه به بیانیه مکزیک در جریان نشست غیررسمی قطعنامه ۷۰/۶۸ مورخ ۴ دسامبر ۲۰۱۴ مجمع عمومی رجوع کنید:

Informal Working Document Compiling the Views of Member States, Prepared in Accordance with General Assembly Resolution 68/70, 2014, Para 15.

۲. تاناکا یوشیفومی، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه آرمین طلعت (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵)، ص ۵۷.

۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص تحول مفهومی میراث مشترک بشریت، ر.ک به:

حمیدرضا جمالی، «میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۱، (۱۳۸۹).

Also Dire Tladi, "Genetic Resources, Benefit Sharing and the Law of the Sea: The Need for Clarity", *Journal of International Maritime Law*, Vol. 13, (2007). & Christopher C Joyner, "Legal Implications of the Concept of the Common Heritage of Mankind Principle in International Law", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 21, (1983). Also see Frakes, Jennifer, "The Common Heritage of Mankind Principle and the Deep Seabed, Outer Space and Antarctica: Will Developed and Developing Nations Reach a Compromise?", *Wisconsin International Law Journal*, Vol. 21, (2003), Issue.409.

بین‌المللی مورد تعریف قرار نگرفته است.^۱ در این راستا تلاش‌های فراوانی از سوی نظریه‌پردازان حقوقی صورت گرفته تا مفاهیم «نگرانی مشترک بشریت» و «میراث جهانی بشریت» به عنوان یک راهکار نوظهور برای رفع ایرادات مفهوم میراث مشترک بشریت و خलाهای ناشی از اعمال عناصر تشکیل‌دهنده آن در دکترین حقوقی پیشنهاد گردد. در این رابطه اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون تنوع زیستی ۱۹۹۲ و نیز موافقتنامه پاریس (کنوانسیون چارچوبی ملل متحد برای تغییرات آب و هوایی) به مفهوم نگرانی مشترک بشریت اشاره کرده‌اند، بدون آنکه تعریفی جامع از آن ارائه نمایند. از سوی دیگر، در دکترین شاهد آن هستیم که منابع دیگری از مشترکات جهانی از قبیل مدار ثابت زمین، طیف فرکانس‌های رادیویی برای ارتباطات فضایی، انرژی خورشیدی، حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی گونه‌های در معرض خطر، اتمسفر، تغییرات آب و هوایی، ژنوم انسانی^۲، تنوع فرهنگی و انتقال فناوری به عنوان میراث جهانی بشریت اعلام شده است.^۳

هنگامی که اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منطقه اعماق و منابع آن پیشنهاد شد، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با آن به مخالفت پرداختند و رژیم حقوقی موجود را برای حاکمیت بر منطقه کافی دانستند.^۴ از سوی دیگر کشورهای در حال توسعه به علت منافع اقتصادی خود از این اصل حمایت می‌کردند، بدون آنکه در خصوص ماهیت و عناصر تشکیل‌دهنده این اصل اجماع حاصل گردد. با این وجود، به‌زعم عده‌ای از محققان، تلفیق واژه «بشریت» با «میراث» نشانگر این است که هنگام بهره‌برداری از مشترکات بین‌المللی، منافع نسل‌های حاضر و آینده و حفاظت از محیط زیست باید توأمان مورد توجه قرار گیرد.^۵ از آنجاکه منابع موجود در مشترکات عمومی به نحو آزادانه مورد استخراج و بهره‌برداری

1. Prue Taylor, "Common Heritage of Mankind Principle", In Klaus Bosselmann, et al (Eds), "The Encyclopedia of Sustainability", The Law and Politics of Sustainability, Great Barrington, Berkshire Publishing, Vol. 3, (2011), pp.64-69

۲. در این رابطه، رک به محمد بجاوی، «ژنوم انسانی به مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله کانون و کلای دادگستری مرکز، بهار و تابستان، شماره ۱۱ (شماره پیاپی ۱۶۶-۱۶۷)، (۱۳۷۶).

۳. توکل جیب زاده و فرنگیس منصوری، «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۹۱-۱۲۰، ص ۱۰۹.

4. Edward Guntrip, "The Common Heritage of Mankind: An Adequate Regime for Managing the Deep Seabed?", Melbourne, Melbourne Journal of International Law, No. 2, (2003), p.11.

5. Rudolf Dolzer, et al (eds.), *Encyclopedia of Public International Law*, Law of the Sea, Air and Space, (Netherlands: North-Holland, No.11, 1989), p. 67.

قدرت‌های توانمند و واجد ابزارهای فنی و تکنولوژی پیشرفته قرار می‌گیرند، این نگرش پدید آمد که نظامی و رای عدم تملک بر دریاها آزاد و پارادایم مشترکات عمومی نیاز است و اصل میراث مشترک بشریت می‌تواند آن را به خوبی نمایندگی نماید.^۱

ریشه اصل میراث مشترک بشریت به تفکیک دو مفهوم مشترکات عمومی^۲ و مناطق بلاصاحب^۳ باز می‌گردد و بیانگر آن است که مشترکات یا عناصر جهانی خاصی از آن بشریت در کلیت آن است و نباید توسط تعدادی از کشورها یا اتباع آنها مورد بهره‌برداری قرار گیرد. مفهوم مشترکات عمومی به معنی مناطقی است که به طور مشترک توسط همگان اداره می‌شوند و اگرچه منابع آن قابل تملک است، خود این مشترکات توسط هیچ دولتی قابل تملک نیست. این مفهوم در مقابل مفهوم مناطق بلاصاحب قرار می‌گیرد که شامل مناطقی است که تحت حاکمیت و کنترل هیچ دولتی نیست اما قابل تصاحب ملی هستند.^۴

در خصوص ارجاع به اصل میراث مشترک بشریت در اسناد حقوقی بین‌المللی اختلاف نظر وجود دارد، اما به طور یقین اهمیت آن در ادبیات حقوقی به سخنرانی اروید پارادو در نوامبر ۱۹۶۷ در کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر می‌گردد.^۵ اندکی پس از طرح اصل میراث در حقوق بین‌الملل دریاها، این مفهوم در رژیم حقوقی فضای ماورای جو و اجرام سماوی و سپس تا حدودی در خصوص نظام حقوقی قطب جنوب به کار رفت. علی‌رغم تلاش‌هایی که برای اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر موضوع انتقال تکنولوژی و اموال فرهنگی صورت گرفته است، این اصل بیش از همه در ایجاد نهاد بین‌المللی برای اداره مناطقی که جزء مشترکات بین‌المللی محسوب می‌شوند مورد استفاده قرار گرفته است.

1. Dire Tladi, "The Common Heritage of Mankind and the Proposed Treaty on Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: The Choice between Pragmatism and Sustainability", Yearbook of international Environmental Law, Vol. 25, No. 1, (2015), p. 124.

2. Res Communis.

3. Res Nullius.

4. Alexandre Kiss, "The Common Heritage of Mankind: Utopia or Reality?", International Journal, Law in the International Community, Vol. 40, Issue 3, (1985), 1985, pp. 423-24.

۵. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک به:

Statement by the Maltese Ambassador, Arvid Pardo to the General Assembly, United Nations General Assembly, 22nd Session, Official records, First Committee, 1515th Meeting, Doc A/C.1/PV.1515, November 1967. See also Edwin Egede, *Common Heritage of Mankind*, Carty, Anthony ed, Oxford Bibliographies (Oxford University Press, 2014).

مفهوم میراث مشترک بشریت از عناصر متعددی تشکیل شده که فعالیت‌های دولت‌ها در منطقه اقیانوس‌ها را ضابطه‌مند می‌سازد، اگرچه محتوای این عناصر و ماهیت دقیق فعالیت‌هایی که بر اساس آنها مجاز هستند به روشنی معین نشده است.^۱ به‌زعم برخی نویسندگان در خصوص عناصر هنجاری میراث مشترک بشریت اتفاق نظر کلی وجود دارد، در حالی که در رابطه با وضعیت حقوقی این اصل تاکنون اجماعی حاصل نشده است. بنابر آنچه در ادبیات حقوقی مطرح است، عناصر هنجاری اصل میراث مشترک بشریت عبارتند از: اصل عدم تملک و مالکیت بر منطقه میراث مشترک بشریت، بهره‌برداری از منابع میراث مشترک بشریت با مقاصد صلح‌آمیز، تسهیم منصفانه منافع و عواید حاصله به نفع بشریت، مدیریت مشترک بین‌المللی بر مناطق تحت حاکمیت میراث مشترک بشریت و محافظت از مناطق مشمول میراث مشترک بشریت به منزله میراث نسل‌های آینده و تضمین انصاف درون-نسلی.^۲

۲-۴. نظام مبتنی بر تسهیم منافع حاکم بر منابع ژنتیکی دریایی جایگزین اصل میراث مشترک بشریت؟

همان‌گونه که در این نوشتار مطرح شد، علی‌رغم اینکه اصل میراث مشترک بشریت در مرکزیت مباحثات گروه‌های کاری قرار داشت، در توصیه‌های مجمع عمومی در سال ۲۰۱۱ که ماحصل نتایج گروه‌های کاری را منعکس می‌نمود به عنوان مسائل مذاکراتی مورد اشاره قرار نگرفت.^۳ این امر به این دلیل بود که حصول اجماع میان کشورهای در حال توسعه در خصوص ضرورت اعمال اصل میراث مشترک بشریت و قابلیت پذیرش اصل تسهیم منافع به جای آن میسر نشد. در راستای پرهیز از اختلافات میان کشورها و تسهیل دستیابی به اجماع بین‌المللی، یک رویکرد عمل‌گرایانه در قبال نتایج حاصل از مذاکرات گروه کاری پیش-

1. Edward Guntrip, op.cit, p.18.

2. John E Noyes, "The Common Heritage of Mankind: Past, Present and Future", *Denver Journal of International Law & Policy*, Vol.40, Issue 447, (2012), p. 450, and Kristina. M Gjerde, et al., *Regulatory and Governance Gaps in the International Regime for the Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction* (Switzerland: International Union for Conservation of Nature, 2008) p.19.

3. UNGA, Resolution on Oceans and the Law of the Sea, Doc A/Res/66/231, 2011, para 167.

گرفته شد و آن تأکید بر «تسهیم منافع حاصله» به جای ارجاع مستقیم به اصل میراث مشترک بشریت بود.

ادغام دو اصطلاح «بشریت» و «میراث» در اصل «میراث مشترک بشریت» نشانگر آن است که منافع نسل‌های آینده بایستی در هنگام استفاده از مشترکات عمومی جامعه بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، لذا این مفهوم به طور خاص متضمن آن است که فعالیت‌های انسانی مرتبط با اعماق دریاها یا ماورای جو باید با جلوگیری از اتلاف بی‌رویه منابع و حفاظت از محیط زیست به نفع مصالح آیندگان انجام گیرد.^۱ به طور قطع، تسهیم منافع یکی از مهمترین جنبه‌های میراث مشترک بشریت است که به نوعی منعکس‌کننده عدالت درون‌نسلی و عنصر توزیعی آن در میان نسل حاضر است، با این حال مفهوم میراث مشترک بشریت همان‌گونه که در این نوشتار تشریح گردید مفهومی فراتر از تسهیم منافع صرف می‌باشد. اعمال اصل میراث مشترک بشریت به همراه عناصر انصاف درون‌نسلی و انصاف میان‌نسلی آمیخته در آن می‌تواند تضمین نماید که کنوانسیون حقوقی الزام‌آور در زمینه تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی؛ تعادل معقول، جامع و منسجمی میان رویکرد توزیعی و یا محافظه‌کارانه نسبت به منابع و در راستای منافع نسل‌های آتی ایجاد نموده است. در واقع انصاف درون‌نسلی بر توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود مبتنی است و اعمال آن نه تنها مستلزم آن است که تنوع بیولوژیکی مورد حفاظت قرار گیرد، بلکه به شیوه‌ای استفاده شود که نیازهای نسل آینده را برآورده سازد.^۲ در این مفهوم، میراث مشترک بشریت حلقه مفقوده‌ای است که می‌تواند عناصر اساسی موافقتنامه اجرایی یا سند حقوقی الزام‌آور آتی در خصوص منابع بیولوژیکی مشتمل بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از جمله تسهیم منافع، ابزارهای مدیریت منطقه-محور و مناطق حفاظت شده دریایی، ارزیابی زیست‌محیطی و انتقال دانش فنی، تکنولوژی و ظرفیت‌سازی را به یکدیگر پیوند دهد.

بطور بدیهی ممکن است این استدلال مطرح شود که درج و تحقق عناصر ارزیابی مدیریت منطقه-محور و ارزیابی‌های زیست‌محیطی در کنوانسیون حقوقی الزام‌آور، نشانگر

1. Dolzer et al, op.cit, p.67.

2. Thomas M Franck, *Fairness in International Law and Institutions*, (Oxford: Oxford University Press, 1995), p. 395 and also: Edwin Egede, and Peter Sutch, *The Politics of International Law and International Justice* (Scotland: Edinburg University Press, 2013) p. 329.

آن است که توسعه پایدار با ابعاد انصاف درون‌نسلی و میان‌نسلی آن تحقق یافته است، اما این تحلیل قابل رد به نظر می‌رسد زیرا این عناصر تنها به حفاظت از منابع مربوط می‌شود در حالی که توسعه پایدار فارغ از جنبه‌های حفاظت و حمایت از محیط زیست، شامل ابعاد متعددی از قبیل تصمیم‌سازی فراگیر و حیطة اجرای قواعد بر اساس منافع عموم نیز هست و تنها به حوزه قواعد شخصی حفاظت و بهره‌برداری برای انتفاع نسل حاضر محدود نمی‌شود.^۱ مشخصاً قواعدی که قرار است نظام حقوقی حاکم بر مناطق حفاظت شده دریایی یا اثرات زیست‌محیطی را در موافقتنامه اجرایی یا سند حقوقی جدید ضابطه‌مند نماید، خود مشتمل بر موضوعات ماهوی است و نمی‌تواند به نحو مؤثری حدود سیطره و دایره اعمال رویکرد حفاظت از منابع بیولوژیکی را هنجارسازی و قاعده‌مند نماید و لذا به پارادایمی فراتر از آن یعنی توسعه پایدار و عناصر سازنده آن نیاز است. بنابراین در حیطة اعمال فرایندهای تصمیم‌سازی اجرای قواعد و مقرراتی که به واسطه کنوانسیون حقوقی الزام‌آور جدید در چارچوب کنوانسیون سوم حقوق دریاها مقرر خواهد شد، میراث مشترک بشریت یک چارچوب نظری و پارادایم فکری سازگار با فلسفه توسعه پایدار فراهم می‌کند، چارچوبی که تنها مشتمل بر قاعده‌سازی هنجاری در خصوص استخراج و بهره‌برداری از منابع و حتی تسهیم منافع نمی‌گردد.^۲ این اصل همچنین از طریق عناصر انصاف درون‌نسلی و میان‌نسلی، مفهوم توسعه پایدار و حقوق همبستگی را با تنوع زیستی مرتبط می‌سازد.

کنوانسیون حقوقی الزام‌آور در چارچوب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که قرار است به اجماع دولت‌های عضو سازمان ملل برسد، به عنوان یک سند هنجاری می‌تواند مشتمل بر مقرراتی در خصوص حفاظت و بهره‌برداری صلح‌آمیز، ممنوعیت استفاده غیر صلح‌آمیز از اقیانوس‌ها و دریاها و یا ترتیبات ساختاری و ایجاد یک نهاد بین‌المللی و یا توسعه صلاحیت‌های نهاد اعماق دریاها^۳ باشد، اما این همه به منزله تحقق آرمان‌های توسعه پایدار و اصول مربوط به حقوق همبستگی نخواهد بود. در حقیقت اقتدار انصاف بین‌نسلی و لزوم

1. Edith Brown Weiss, "In Fairness to Future Generations and Sustainable Development", American University International Law Review, Vol.8, Issue 1, (1992), p. 19. And Charles S. Pearson, *Economics and the Global Environment* (Cambridge: Cambridge University Press, 2000) p. 469.
2. Dire Tladi, op.cit. p.130.
3. The Seabed Authority.

اعمال آن در ارتباط با تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی ایجاب می‌کند موافقتنامه اجرایی آتی فارغ از مفهوم صرف تسهیم منافع و تصویب قواعد مشخص در حیطه حفاظت و بهره‌برداری، با اعمال اصل میراث مشترک بشریت بر منابع بیولوژیکی آن‌ها را تحت سیطره نظام حقوقی جامع‌تری قرار دهد. رویکرد انصاف درون‌نسلی نگاهی جامع و آینده‌نگر را به عناصر اساسی تصمیم‌سازی می‌افزاید که تا حدودی با اصول احتیاطی^۱ و آینده‌نگرانه مربوط به حقوق بین‌الملل محیط زیست پیوند پیدا می‌کند.^۲ به نظر می‌رسد اجتناب از به کارگیری اصل میراث مشترک بشریت و درج عنصر تسهیم منافع در موافقتنامه اجرایی آتی در خصوص حاکمیت اقیانوس‌ها موجب می‌گردد سند حقوقی جدید در چارچوب کنوانسیون حقوق دریاها نتواند به قدر کفایت از عناصر اساسی پارادایم توسعه پایدار که شامل عنصر انصاف درون‌نسلی و میان‌نسلی و همبستگی به منزله بنیان اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست است بهره‌مند سازد.^۳ به‌طور کلی، آنچه از مجموعه مذاکرات تدوین کنوانسیون حقوقی الزام‌آور تاکنون قابل برداشت است آنکه از یکسو کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته با هرگونه تقیید و چارچوب‌بندی رژیم حقوقی حاکم بر نحوه استفاده و بهره‌برداری از منابع بیولوژیک مخالفت می‌کنند و از سوی دیگر کشورهای زیادی از جمله کشورهای در حال توسعه خواهان محدود نمودن بهره‌برداری بی‌رویه کشورهای قدرتمند اقتصادی از منابع بیولوژیک دریایی در چارچوب نظام حقوقی قابل اعمال در موافقتنامه اجرایی الزام‌آور هستند. این تقابل آشکار، منجر به بروز موارد اختلافی و اتفاق نظر میان گروه‌های مختلف کشورهای همفکر گردیده است.

در فرایند تدوین سند حقوقی الزام‌آور ناظر بر حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی دریایی در مناطق ورای صلاحیت ملی دولت‌ها برخی از موضوعات در ماهیت خود واجد خصیصه میان‌بخشی هستند و از اهمیت زیادی میان کشورها برخوردارند. این موضوعات شامل دامنه شمول سند حقوقی الزام‌آور، نحوه ارتباط این سند با کنوانسیون حقوق دریاها و سایر اسناد و مکانیسم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، حقوق و تکالیف دولت‌های غیر عضو کنوانسیون ۱۹۸۲، نظام حاکم بر حل و فصل اختلافات در سند حقوقی جدید، نظام مسئولیت

1. Precautionary Approach.

2. Dire Tladi, *Sustainable Development in International Law: An Analysis of Key Enviro-Economic Instruments* (Pretoria: Pretoria University Law Press, 2007) p. 46.

3. Dire Tladi, *op.cit.*, pp. 130-32.

بین‌المللی حاکم بر سند حقوقی الزام آور، مکانیسم مانیتورینگ و نظارت بر نحوه اجرای سند حقوقی و نظام تصمیم‌گیری و مدیریت منابع هستند که ضروری است منافع و مضار کشورها در خصوص هریک از آنها به روشنی تبیین گردد. برآیند کلی اجلاس‌های چهارگانه کمیته مقدماتی نشانگر پیروزی اولیه کشورهای در حال توسعه در ترغیب و اعمال فشار بر کشورهای توسعه‌یافته و قدرت‌های دریایی صاحب تکنولوژی پیشرفته در پذیرش سند حقوقی الزام‌آور برای حاکمیت بر نحوه بهره‌برداری آنان از منابع بیولوژیکی در مناطق ورای صلاحیت ملی و محدود نمودن حیطه اختیارات آنها بوده است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در نوشتار حاضر تشریح گردید، بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، دولت‌ها متعهد به حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی و تنوع زیستی با توجه به ماهیت نظری و عناصر ملموس آن، منابع ژنتیکی و اکوسیستم‌های دریایی هستند. مبنای حقوقی تعهد به حفاظت از تنوع زیستی دریاها از تعهد کلی دولت‌ها وفق حقوق بین‌الملل عرفی برای حمایت از محیط زیست دریایی و حفاظت از آن در قبال آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی و همکاری برای دستیابی به این مهم و نیز تعهد دولت‌ها به حفاظت از منابع جاندار دریاها و اقیانوس‌ها سرچشمه می‌گیرد. با این وجود، جامعه بین‌المللی حاضر در قبال پیشگیری از فعالیت‌های آسیب‌رسان به محیط زیست دریایی تا حدود زیادی ناکام مانده است و لذا ضرورت اتخاذ تدابیر جدی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تقویت چارچوب‌های حقوقی و سازمانی در جهت حفاظت و حمایت از تنوع زیستی دریایی بیش از پیش احساس می‌شود. از سوی دیگر، وضعیت حقوقی دریاها از آزاد به عنوان مشترکات عمومی و آزادی بی‌قید و حصر دولت‌ها بر مبنای اصل آزادی دریاها خود از جمله چالش‌هایی است که تحقق حفاظت و بهره‌برداری پایدار را با معضلاتی مواجه می‌کند.

به منظور رفع کاستی‌ها و خلاهای ناشی از نظام حقوقی بین‌المللی ناظر بر تنوع زیستی، راهکارهایی از قبیل توسعه سازوکارهای حقوقی و هنجاری بین‌المللی از مجرای اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا مشتمل بر اصول و هنجارهای حفاظتی و حاکمیتی نوین برای حفاظت از محیط زیست دریایی، تقویت همکاری و هماهنگی میان دولت‌ها و سایر سازمان‌ها و نهادهای

بین‌المللی ذی‌صلاح و مسئول انجام فعالیت‌ها در مناطق ورای صلاحیت ملی در سطوح منطقه‌ای و جهانی، تضمین مدیریت جامعیت محور و تقویت روش‌ها و فرایندهای نظارتی شفاف و تضمین پایبندی دولت‌ها به تعهدات زیست‌محیطی خود وفق نظام حقوقی الزام‌آور قابل طرح و بررسی به نظر می‌رسد.

در این میان آنچه بیش از همه حائز اهمیت است، ضرورت بررسی تمام راهکارها و چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی مطرح پیش‌روی جامعه بین‌المللی برای تدوین مقررات مربوط به حفاظت و بهره‌برداری از تنوع زیستی در مناطق ورای صلاحیت ملی است. در همین راستا، تدوین کنوانسیون حقوقی الزام‌آور برای نظام‌مند نمودن حفاظت و بهره‌برداری پایدار از منابع بیولوژیکی دریایی به منزله میراث مشترک بشریت، تحول بزرگی در حقوق بین‌الملل دریاهای به شمار می‌آید که منتفع اصلی آن جامعه بشری حاضر و نسل‌های آینده است. شناسایی حقوق نسل‌های آینده به منزله حقوق همبستگی، عامل مهمی در ارتقای توسعه پایدار و پیشرفت جامعه بشری قلمداد شده و در مقابل، حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی دریایی و بهره‌برداری پایدار از منابع ژنتیکی به شیوه‌ای که عناصر انصاف بین‌نسلی را محقق نماید، تضمین‌کننده حقوق نسل‌های آینده و مفهوم میراث مشترک بشریت به شمار می‌آید.

بر اساس ضوابط پارادایم حقوق بین‌نسلی، انسان‌های نسل حاضر تعهد ویژه حفاظت و نگهداری از سیاره زمین برای تضمین حقوق نسل‌های آینده و تأمین منابع جهت بهره‌برداری آنان را بر عهده دارند. ضمانت اجرای این تعهد که از اصول توسعه پایدار و حقوق همبستگی به شمار می‌رود، از مجرای مدیریت معقولانه و منصفانه منابع و پاسداشت محیط زیست بین‌المللی به منزله میراث مشترک بشریت محقق می‌گردد. در این راستا ضرورت دارد نظام حقوقی خاص مسئولیت بین‌المللی ناظر بر حفاظت و بهره‌برداری پایدار از تنوع زیستی دریایی در قالب سازوکار نظارت و ارزیابی حاکم بر تنوع زیستی و منابع ژنتیکی دریایی و نظام جبران خسارات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های آسیب‌رسان به منابع مشترک بشریت تعبیه شود تا به نحو مطلوبی تضمین‌کننده کارایی نظام حقوقی ناظر بر تنوع زیستی، توسعه پایدار و حقوق نسل‌های آینده بشری باشد. از سوی دیگر، تعهد به انتقال تکنولوژی، فراهم نمودن امکان دسترسی به منابع ژنتیکی، توزیع عادلانه نتایج حاصل از تولید محصولات ژنتیکی میان

کشورها و جوامع بومی منشا آنها از جمله نتایج قهری اعمال نظام حقوقی نوین مسئولیت در این حوزه و زمینه ساز حمایت حداکثری از میراث مشترک بشریت در راستای تضمین منافع نسل های آینده بشری خواهد بود.

آنچه در این میان شایان توجه است آن که اگرچه رژیم حقوقی حاکم بر میراث مشترک بشریت کماکان تا مرحله ای که بتواند عملاً نیازها و اهداف جامعه بین المللی بویژه کشورهای در حال توسعه را برآورده سازد و در برقراری نظام نوین اقتصادی بین المللی و کاهش فقر و بی عدالتی مؤثر افتد فاصله زیادی دارد و حتی مقاومت هایی از سوی مکاتب سنتی حقوق در برابر تبلور همه جانبه این اصل صورت گرفته است، اما می توان ادعا نمود که مفهوم میراث مشترک بشریت در طول زمان و بویژه با کمک پارادایم های توسعه پایدار و عدالت درون نسلی و میان نسلی به تدریج از یک قاعده توصیه ای و غیرالزام آور به یک قاعده حقوقی لازم الرعایه در حقوق بین الملل معاصر تبدیل شده است.

به لحاظ کاربردی، تلقی منابع بیولوژیک دریایی به عنوان میراث مشترک بشریت موجب طرح مفاهیمی نظیر تسهیم منافع عادلانه و منصفانه میان تمام کشورهای جهان و انتقال تکنولوژی و فناوری از کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه است و این موجبات بهره مندی تمامی کشورهای جهان از این سازوکار بین المللی را فراهم می کند. لذا جامعه بین المللی به تدوین یک کنوانسیون لازم الاجرا برای نظام مند نمودن حفاظت و بهره برداری از منابع بیولوژیک و تنوع زیستی در مناطق ماورای صلاحیت دولت ها نیازمند است و حقوق بین الملل دریاها راهی جز تلاش وافر برای تحقق عملی چنین نظام حقوقی ندارد. آنچه بدیهی است آنکه نتیجه مذاکرات نهایی در مجمع عمومی بایستی تعادل معقولی را میان منافع تمام کشورها اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه و کمتر بهره مند با هدف نهایی حفاظت از منفعت کل جامعه بشری ایجاد نماید. با توجه به اهمیت عناصر مطروحه در سند حقوقی پیشنهادی به ویژه تلقی منابع ژنتیکی به منزله میراث مشترک بشریت، مشارکت فعال کشورها در جریان تدوین کنوانسیون الزام آور آتی در زمینه حقوق دریاها به دلیل امکان تأثیرگذاری در فرآیند تصمیم گیری راجع به حاکمیت قانون بر اقیانوس ها و نقش بی بدیل آن در آینده حیات بشری از اهمیت زایدالوصفی برخوردار است.

منابع

الف - فارسی

کتاب

- یوشیفومی، تاناکا، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه آرمین طلعت (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵).

مقاله‌ها

- بجاوی، محمد، «ژنوم انسانی به مثابه میراث مشترک بشریت یا ژنتیک بیم و امید»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، بهار و تابستان، شماره ۱۱ (شماره پیاپی ۱۶۶-۱۶۷)، (۱۳۷۶).

- حبیب‌زاده، توکل و منصوری، فرنگیس، «بازخوانی اصل میراث مشترک بشریت و تفاوت‌های آن با مفهوم نگرانی مشترک بشریت»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، (۱۳۹۳).

- جمالی، حمیدرضا، «میراث مشترک بشریت، مفهوم و کاربرد آن در حقوق بین‌الملل»، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۳۱، (۱۳۸۹).

- جمالی، حمیدرضا، «محیط زیست بین‌المللی و میراث مشترک بشریت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴، (۱۳۸۹).

ب - انگلیسی

Books

- Ardron, Jeff and Robin Warner, "International Marine Governance and Protection of Biodiversity", In Hance D Smith et al, (eds), *Routledge Handbook of Ocean Resources and Management* (UK: Routledge Publishing, 2015).

- Dolzer, Rudolf, et al (eds.), *Encyclopedia of Public International Law, Law of the Sea, Air and Space* (Netherlands: North-Holland, No.11, 1989).

- Egede, Edwin and Peter Sutch, *The Politics of International Law and International Justice* (Scotland: Edinburg University Press, 2013).

- Egede, Edwin, "Common Heritage of Mankind", In: Carty, Anthony ed. *Oxford Bibliographies* (Oxford: Oxford University Press, 2014).

- Franck, Thomas M, *Fairness in International Law and Institutions* (Oxford: Oxford University Press, 1995).

- Gjerde, Kristina *et al.*, *Regulatory and Governance Gaps in the International Regime for the Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction* (Switzerland: International Union for Conservation of Nature, 2008).

- Pearson, Charles S., *Economics and the Global Environment* (Cambridge: Cambridge University Press, 2000).

- Proelss, Alexander, "Access and Benefit Sharing in Relation to Marine Genetic Resources". In Evanson C. Kamau and Gerd Winter (eds.) *Genetic Resources, Traditional Knowledge and the Law. Solutions for Access and Benefit Sharing* (London: Earthscan, 2009).

- Redgewell, Catherine, "The 1982 LOSC and Protection of the Marine Environment", In David Freestone, *et al* (eds) *The Law of the Sea: Progress and Prospects* (Oxford: Oxford University Press, 2006).

- Tladi, Dire, *Sustainable Development in International Law: An Analysis of Key Enviro-Economic Instruments* (Pretoria: Pretoria University Law Press, 2007).

- Tladi, Dire, "Ocean Governance: A Fragmented Regulatory Regime", In P. Jacquest, R.K. Pachuari, L. Tubiana (eds), *Oceans: The New Frontier* (Delhi: TERI Press, 2011).

- Van Dyke, Jon M., "Giving Teeth to the Environmental Obligations in the LOSC", In Alex Oude Elferink, Donald R Rothwell *et al.* (eds), "Ocean Management in the 21th Century: Institutional Frameworks and Responses" (Netherlands: Martinus Nijhoff, 2004).

- Warner, Robin, *Protecting the Oceans beyond National Jurisdiction: Strengthening the International Law Framework*, David Freestone (ed) (The Netherlands: Nijhoff Publishers, 2009).

- Warner, Robin, "Conserving Marine Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: Co-Evolution and Interaction with the Law of the Sea" In Donald Rothwell and others (eds), *The Oxford Handbook of the Law of the Sea* (Oxford: Oxford University Press, First edition, 2015).

Articles

- Frakes, Jennifer, "The Common Heritage of Mankind Principle and the Deep Seabed, Outer Space and Antarctica: Will Developed and Developing Nations Reach a Compromise?", *Wisconsin International Law Journal*, Vol. 21, Issue. 409, (2003).

- Glowka, Lyle, et al, "A Guide to the Convention on Biological Diversity", Report of International Union for Conservation of Nature, Environmental Policy and Law Paper, No. 30, (1994).

- Gjerde Kristina M., Anna Rulska-Domino, "Marine Protected Areas Beyond National Jurisdiction: Some Practical Perspectives for Moving Ahead", *The International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol.27, Issue 2, (2012).

- Gjerde, Kristina M., "Challenges to Protecting the Marine Environment beyond National Jurisdiction", *International Journal of Marine and Coastal Law*, Vol. 27, (2012).

- Gjerde, Kristina M., "Enhancing Integrated Management Beyond National Jurisdiction under the Environmental Provisions of the UN Convention on the Law of the Sea", *International Union for Conservation of Nature*, (2012).

- Goncals, Raphael Magno Vianna, and Jonathan Ruillé, "Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity in Areas Beyond National Jurisdiction", *Human Sea Program, European Research Council and University of Nantes*, Vol. 23, (2017).

- Guntrip, Edward, "The Common Heritage of Mankind: An Adequate Regime for Managing the Deep Seabed?", *Melbourne, Melbourne Journal of International Law*, No. 2, (2003).

- Joyner Christopher C, "Legal Implications of the Concept of the Common Heritage of Mankind Principle in International Law", *Columbia Journal of Transnational Law*, Vol. 21, (1983).

- Kamau, Evanson Chege and Bevis Fedder and Gred Winter, "The Nagoya Protocol on Access to Genetic Resources and Benefit Sharing: What is New and What Are the Implications for Provider and User Countries and the Scientific Community?", *Law Environment and Development Journal*, Vol. 6, Issue 3, (2010).

- Kiss, Alexandre, "The Common Heritage of Mankind: Utopia or Reality?" *International Journal*, Vol. 40, Issue 3, (1985).

- Korn, Horst, Susanne Friedrich and Ute Feit, "Deep Sea Genetic Resources in the Context of the Convention on Biological Diversity and the United Nations Convention on the Law of the Sea", Germany, Federal Agency for Nature Conservation, (2003).

- Noyes, John E, "The Common Heritage of Mankind: Past, Present and Future", Denver Journal of International Law & Policy, Vol. 40, Issue 447, (2012).

- Rayfuse, Rosemary, and Robin Warner, "Securing a Sustainable Future for the Oceans Beyond National Jurisdiction: The Legal Basis for an Integrated Cross-Sectoral Regime for High Seas Governance for the 21th Century", The International Journal of Marine and Coastal Law, No.23, (2008).

- Taylor, Prue, "Common Heritage of Mankind Principle", In Klaus Bosselmann, et al (Eds), "The Encyclopedia of Sustainability", The Law and Politics of Sustainability, Great Barrington, Berkshire Publishing, Vol. 3, (2011).

- Thomas Greiber, "Access and Benefit Sharing in Relation to Marine Genetic Resources from Areas Beyond National Jurisdiction, A Possible Way Forward", a Study in Preparation of the Informal Workshop on Conservation of Biodiversity Beyond National Jurisdiction, Research Project of the Federal Agency for Nature Conservation, (2011).

- Tladi, Dire, "Genetic Resources, Benefit Sharing and the Law of the Sea: The Need for Clarity", Journal of International Maritime Law, Vol. 13, (2007).

- Tladi, Dire, "The Common Heritage of Mankind and the Proposed Treaty on Biodiversity in Areas beyond National Jurisdiction: The Choice between Pragmatism and Sustainability", Yearbook of international Environmental Law, Vol. 25, No. 1, (2015).

- Weiss, Edith Brown, "In Fairness to Future Generations and Sustainable Development", American University International Law Review, Vol. 8, Issue 1, (1992).

Documents

- Convention on Biological Diversity, (CBD) signature on 5 June 1992, (entered into force 29 December 1993).
- Convention on the High Seas (1958), 450 U.N.T.S. 82; Convention on Fishing and Conservation of the Living Resources of the High Seas.
- Informal Working Document Compiling the Views of Member States, Prepared in Accordance with General Assembly Resolution 68/70, 2014.

- IUCN, Workshop on High Seas Governance for the 21st Century. Co-Chairs Summary Report, 2007.
- Recommendations of the Ad Hoc Open-ended Informal Working Group to Study Issues Relating to the Conservation and Sustainable Use of Marine Biological Diversity in Areas beyond National Jurisdiction, Doc A/66/119, 2011.
- Report of UNEP, “Global Environment Outlook (GEO-5): Environment for the Future We Want”, 2012.
- UNICPOLOS Fifth Meeting Report, UN Doc A/59/122, 1 July 2004.
- UNICPOLOS Eighth Meeting Report, UN Doc A/62/169, 30 July 2007.
- Statement by the Maltese Ambassador, Arvid Pardo to the General Assembly, United Nations General Assembly, 22nd Session, Official records, First Committee, 1515th Meeting, Doc A/C.1/PV.1515, November 1967.
- Summary of the First Session of the Intergovernmental Conference on an International Legally Binding Instrument under the UNCLOS on the Conservation and Sustainable Use of Marine Biodiversity of Areas Beyond National Jurisdiction, Earth Negotiations Bulletin, Vol 25, No.179, 20 September 2018.
- UNGA, 22nd Session, Official Records, First Committee, 1516th Meeting, Doc A/C.1/PV.1516, 1967.
- UNGA, Resolution on Oceans and the Law of the Sea, Doc A/Res/66/231, 2011.
- Union of Ethical Bio Trade, (2010), Nagoya Protocol on Access and Benefit Sharing – Technical Brief.
- World Commission on Environment and Development (WCED), Our Common Future, 1987.